

ملت‌هایی بدون ملی‌گرایی

ژولیا کریستوا

ترجمه‌ی مهرداد پارسا

www.ketab.ir



سرشناسه: کریستوا، ژولیا، ۱۹۴۱ - م، Kristeva, Julia

عنوان و نام پدیدآور: ملت‌هایی بدون ملی‌گرایی/ ژولیا کریستوا؛ ترجمه‌ی مهرداد پارسا

مشخصات نشر: تهران: انتشارات شَونَد، ۱۳۹۴. ● مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ سم ● شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۱-۳-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا ● یادداشت: عنوان اصلی: Lettre ouverte à Harlem Désir, 1993

موضوع: دزیر، آرم، ۱۹۵۹ - م-- فلسفه ● موضوع: دوگل، شارل، ۱۸۹۰ - ۱۹۷۰ م-- فلسفه

موضوع: ویژگی‌های ملی فرانسه ● موضوع: نژادپرستی-- فرانسه

موضوع: ملی‌گرایی-- فرانسه ● شناسه افزوده: پارسا خانقاه، مهرداد، ۱۳۶۳-، مترجم

ردیف کتابخانه: DC۳۴/ک۴۷۱۳۹۴ ● رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۸۰۰۹۴۴ ● شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۹۴۶۸۷۱

Nations without Nationalism

Julia Kristeva

Mehrdad Parasa



تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ولیعصر، کوچه روشن، پلاک ۱۱، طاقچه دوم، واحد پنجم

کد پستی ۱۴۱۵۸۵۳۴۴۶ | تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۱۹۰۷۱ | نمابر: ۰۲۱-۸۸۹۱۰۰۹

ناشر: شَونَد

ملت‌هایی بدون ملی‌گرایی | ژولیا کریستوا | مهرداد پارسا

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴، تهران | تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه | قیمت: ۷۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: پردیس دانش

طرح روی جلد از میثم پارسا

ISBN: 978-600-95761-3-5

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۶۱-۳-۵

Printed in Iran

حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

۷	مقدمه / لئون اس. رودیز
۱۱	۱. ملت فردا چگونه ملتی است؟
۵۱	۲. نامه‌ای سرگشاده به آرلم دزیر
۶۵	۳. ملت و کلمه
۷۵	۴. درباره‌ی سامورایی‌ها
۹۱	یادداشت‌ها
۹۹	نمایه نام‌ها

مقدمه

لئون اس. رودیز

سه جستار از مقالات گردآمده در این کتاب، پیش‌تر با عنوان *نامه‌ای سرگشاده* به آرلم دزیر (پاریس، ریواژ، ۱۹۹۰) به اتفاق به زبان فرانسه منتشر شده‌اند. مقاله‌ی اصلی [*نامه‌ای سرگشاده*] را گدگوی مربوط به رمان *سامورایی‌ها* در اصل در نشریه‌ی نامتناهی^۱ فیلیپ سولرس (شماره ۳۰، تابستان ۱۹۹۰) به چاپ رسیدند و ملت و کلمه در ویژه‌نامه‌ی *نول ابزرواتور*^۲ (ژوئن ۱۹۹۰) در یکصدمین سالروز تولد دوگل منتشر شد. مقاله‌ی آغازین، ملت فردا چگونه است؟ مشخصاً برای مجلد حاضر نوشته شده است؛ از آن‌جا که کریستوا طیف متفردتی از خوانندگان را در نظر داشته که متون نظری‌تری را نخوانده‌اند، در این‌جا تاحدی برخلاف انجمن سوعات مطرح‌شده در بیگانگی با خودمان (انتشارات دانشگاه کلمبیا، ۱۹۹۱) را مروری بازبینی می‌کند.

مفهوم «بیگانگی»^۳ چیزی است که این مقالات را به هم پیوند می‌دهد. این مفهوم طی ربع قرن گذشته، از زمانی که کریستوا زادگاه‌اش بلغارستان را به‌وقد با یس ترک می‌کند، با وی همراه بوده است. تصور می‌کنم حتی آن‌جا نیز حس رتقارت^۴ گرهم نه بیگانگی، بر ذهن و جان او سنگینی می‌کرده است. تعلیم و تربیت او تاندازه‌ای

1. *L'Infini*

2. *Le Nouvel Observateur*

3. *strangeness*

نامعمول بود و پیش از آن‌که سازمان‌های نوپای کمونیستی دست به کار شوند، او همچون راهبه‌های فرانسوی شروع به قالب‌ریزی ذهن خود کرد. پدرش استویان کریستف^۱، روشنفکر و محقق بلندمرتبه بود که هرگز به گروه‌ها و کادری‌های حزب نیپوست (او در سال ۱۹۸۹ درگذشت). وقتی ژولیا کریستوا به پاریس آمد، در رشته‌ی ادبیات فرانسه بورس دکتری داشت و موضوع پژوهش‌اش برای رساله‌ی دکتریش دانشگاه^۲، ظهور ژانر (یا آن‌گونه که خود ترجیح می‌دهد، متنی) دیگرگونه از میان کلاف ژانرهای ازپیش‌موجود (یا رشته‌متن‌های) دیگر بود. به نظر می‌رسد که اگر به گذشته بازگردیم، می‌توانیم که میان شیوه‌های متولد شدن ملت‌های جدید شباهتی وجود دارد. برای مثال، از آمیزش افراد و گروه‌هایی که پس‌زمینه‌های فرهنگی، دینی و سیاسی متفاوتی دارند بدین‌قرار، گال‌ها، رومیان، ویزیگوت‌ها، فرانک‌ها، باسک‌ها، نورمان‌ها و نژادهای دیگر در ملتی که در نهایت فرانسه می‌نامیم ادغام شده‌اند؛ آنگلوساکسون‌ها، دانندی، اسپانیایی‌ها، ایرلندی‌ها، ژرمن‌ها، افریقایی‌ها، اسکاتلندی‌ها، سوئدی‌ها، روس‌ها، یونانی‌ها و راپنی‌ها و دیگر آسیایی‌ها همچنان برای تأسیس «ملتی» آمریکایی مبارزه می‌کنند و در همین حال، سرخپوستان آمریکایی که روزگاری کم مانده بود منقرض شوند، اکنون تلاش می‌کنند به رسمیت شناخته شده‌اند.

علاقه کریستوا به سرعت به سمت زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی تغییر کرد و در نتیجه‌ی آن اثر سرنوشت‌ساز خود، انقلاب در زبان‌شناسی را (۱۹۷۴)، که بخشی از آن در سال ۱۹۸۴ از سوی انتشارات دانشگاه کلمبیا با همان عنوان به انگلیسی ترجمه شد) به رشته‌ی تحریر درآورد که می‌توان آن را پژوهشی در بار «بیگانگی» زبان شاعرانه‌ی فرانسه در قرن بیستم دانست؛ در این میان، به بحث ورود کودک به [ساحت] زبان علاقه‌مند شد - این‌که چگونه این بیگانگی تمام‌عیار جذب ساحت زبانی پیرامون خود می‌شود (یا در ورود به آن غائله را می‌بازد). اکنون، ورود به روان‌کاوی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد؛ کودک هر چه قدر هم که جذب ساحت

زبان شود این بیگانگی در سایه‌ی خودآگاه فرد بزرگسال، همچنان فعال باقی می‌ماند و درواقع غریبه و بیگانه‌ی درون است. می‌توان زنجیره‌ای از دوگانه‌ها را متصور شد - بیگانه/همسایه، رعب‌آور/آشنا، غیرعقلانی/عقلانی، و نشانه‌ای/نمادین - که در آن‌ها مورد اول اغلب در تعیین رفتار انسانی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در آثاری که به گمانم یک سه‌گانه را تشکیل می‌دهند، یعنی قدرت‌های وحشت، قصه‌های عشق و خورشید سیاه، کریستوا مؤلفه‌های بنیادین روان انسانی را از نقطه‌نظر تاریخی، دینی، جامعه‌شناختی، روان‌کاوانه و ادبی مورد بررسی قرار می‌دهد. گرچه در این سه تاره واژه‌های غریب، بیگانگی یا غریبه به‌ندرت ظاهر می‌شوند، اما مفهوم «دیگربودگی» همواره حضور دارد. پس از آن، مفاهیم «بیگانه» و «دیگری» در هم ادغام می‌شوند و در نگاه با خودمان نهایتاً بر بیگانه‌ی درون تأکید می‌شود، دیگری در درون موجب وحشت می‌گردد.

هم‌زمان، کریستوا دوگله را غریبه‌ای بزرگ می‌داند که نمی‌تواند به میانمایگی رایج عصر خود رضا دست بزند. این مسئله هم موفقیت‌های تاریخی او را توضیح می‌دهد و هم ناکامی‌هایش را. رمان کریستوا، امورای‌ها علاوه بر این که تلاشی برای شرح حیات روشنفکری در پاریس اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ به بعد است، داستانی است درباره‌ی بیگانه‌ها؛ معدود افرادی [از شخصیت‌های رمان] خارجی‌اند، اما جملگی غریب و بیگانه‌اند، و همگی روشنفکرانی‌اند که جدا از آن‌ها از آن‌ها می‌کنند. آن‌ها مانند سامورای‌های اشرافی ژاپن فتودالی، اداری و رسمی خودشان را دارند و اغلب در جمع خودشان مبارزه می‌کنند، هرچند که پیروز می‌شوند. آن‌ها چندان خون‌آلوده نیست. بسیاری از مردم عادی می‌خواهند از دست آنان خلاص شوند، اما کریستوا می‌گوید باید هر نوع دیگربودگی را فهم کرد و پذیرا بود.

همین امر در مورد تفاوت‌های قومی، دینی، اجتماعی و سیاسی نیز صادق است. باید

1. otherness

2. other

وجه مشترک^۱ و شباهتی یافت و کریستوا این کلید را در مفهوم روح کلی^۲ منتسکیو می‌یابد، که در مقاله‌ی اول مورد شرح و بررسی قرار می‌گیرد. این شاید اولین گام در مسیر ملتی از بیگانه‌ها و جهانی متشکل از ملت‌هایی بدون ملی‌گرایی باشد. به تعبیر دیگر، جهانی بهتر برای فردا.

1. commonality

2. *esprit général*